

تفاوت دو سیستم¹ و مروری بر قوانین مقرر در ج. ا. ایران در این پیوند

در بیان تفاوت این دو سیستم گفته شده (و گفته می شود):

1. ارزش گذاری بر ادله به وسیله قانون در سیستم حاکمیت امارات قانونی و به وسیله قاضی در سیستم ادله معنوی

در سیستم اول بر خلاف نظام قضایی دوم، قاضی حتی اگر رای مخالف داشته باشد، باید از نظر قانون گذار متابعت کند. شنیدنی است به رغم حاکمیت نظام ادله قانونی بر امور حقوقی در قانون ایران، قانون گذار ج. ا. ایران در ماده 241 ق. آ. د. م (مصوب 1379) مقرر میدارد:

«تشخیص ارزش و تاثیر گواهی با دادگاه است». پیش از آن در ماده 424 (مصوب 1318) آمده است:

«تشخیص درجه ارزش و تاثیر گواهی به نظر دادگاه است»!

البته در ماده 171 ق. آ. د. ک (مصوب 1378) آمده است:

«چنان چه دادگاه شهود معرفی شده را واجد شرایط قانونی تشخیص دهد، شهادت آنان را می پذیرد، در غیر این صورت رد می کند».

در ماده 161 قانون مجازات اسلامی (مصوب 1392) نیز آمده است:

«در مواردی که دعوی کیفری با ادله شرعی از قبیل اقرار و شهادت - که موضوعیت دارد - اثبات می شود، قاضی به استناد آنها رای صادر می کند، مگر این که علم به خلاف آن داشته باشد».

در ادامه باز هم از موضع گیرهای - حداقل به ظاهر - ناهمسوی قانون گذار در ج. ا. ایران، سخن خواهیم داشت.

2. می توان گفت: در سیستم ادله قانونی، هدف قانون گذار بیشتر فصل خصومت است تا کشف حقیقت.

شاید تعریف قضا به «فصل خصومت بین اصحاب دعوا» - که در داوری در امور حقوقی و مدنی، در بسیاری از متون فقهی آمده است - با نگاه به سیستم اول بوده باشد. چنان که لیست کردن شرایطی خاص برای قاضی در همان متون، حکایت از همین رویکرد داشت. قبلا در اینباره، مطالبی بیان شد و اثر اصالت انگاری فصل خصومت یا اجرای عدالت و کشف حقیقت، در لیست کردن شرایط قاضی، بیان گردید.

3. موضوعیت داشتن و طریقت داشتن ادله / ارزش متفاوت ادله/ یا عدم

واضح است که در سیستم حاکمیت امارات، امارات و ادله، طریقت به افعان قاضی دارند.

در این سیستم، در واقع ادله ای وجود ندارد، بلکه تنها یک دلیل در صحنه هست و آن «اعتقاد باطنی و قنوع وجدان قاضی» است و اگر از ادله و امارات گفتگو می شود، جهت تسهیل کار و بیان راه های وصول به اطمینان است. در این سیستم نمی توان مثل اقرار را «ملکه ادله» و «شاه دلیل» قلمداد کرد یا از تقدیم یک اماره - علی الاطلاق - بر اماره دیگر صحبت نمود و

در این ارتباط ماده (پیش نقل شده) 161 از قانون مجازات اسلامی ملاحظه شود.

ماده 365 ق. آ. د. م (مصوب 1318) مقرر میدارد: «هرگاه کسی اقرار به امری نماید - که دلیل حقانیت طرف [مقابل] است، خواستن دلیل دیگری برای ثبوت آن لازم نیست». ماده 202 همان قانون (مصوب 1379) نیز بر این مفاد تصریح دارد.

¹ . ر.ک: همان، صص 72 . 97.

رفتار با دلایل اقرار در کشاکش تفریط و افراط

از نکات مهم و جانبی در بحث کنونی ما رفتار قانون گذار با دلایل اقرار است! اگر از موضوعیت انداختن اقرار و آن را در کنار سایر ادله دیدن - بدون تنزل و تفوق - و مشروط دانستن اعتبار آن به باور قاضی به صحت آن و - حتی - حذف واژه «ملکه دلایل» در وصف اقرار از قاموس سیستم قضا، نوعی تفریط در پیوند با ارزش انگاری اقرار تلقی کنیم، اصالت دادن به آن حتی در فرض علم قاضی به اشتباه، خطا و دروغ بودن آن، نوعی افراط در مورد آن به شمار می آید.²

از برخی حقوقدانان فرانسوی (ژان پرادل) نقل شده که گفته است:

مطابق این شیوه (دلایل قانونی) دلایل و ارزش اثباتی هر یک از قبل تعیین گردیده و در صورت ارائه آنها، قاضی بر خلاف عقیده خود، ناگزیر به صدور حکم بر اساس آن دلایل است.³

البته این سخن می تواند یک برداشت شخصی و در حد امکان از نظام حاکمیت دلایل قانونی باشد نه لازمی کلی عام و مقرر در این سیستم حقوقی - از این رو در ماده 1276 ق.م (مصوب 1379) (و مقرر در فقه امامیه) آمده:

«اگر کذب اقرار نزد حاکم ثابت شود، آن اقرار اثری نخواهد داشت».

و این در حالی است که رویکرد عام قانون گذار در قانون مدنی در ج.ا. ایران رویکرد حاکمیت امارات قانونی است. پس میتوان در یک نظم حقوقی دو رفتار متفاوت نسبت به یک دلیل داشت.

² . از این نکته معلوم می شود که این سیستم ها و سیستم های تابع، بسته ای ثابت و تک گونه نیستند؛ واقع چنین است که باید به تفاوت مراتب آنها رای داد.

³ . همان ص 79.